

یکی از فضایل اخلاقی صبر است. صبر که از آن به شکیبایی در فارسی تعبیر می‌شود، از نگاه قرآن از مهم‌ترین ابزارهای کسب آرامش، آسایش و کمالات انسانی است. اگر کسی بخواهد در زندگی خود از بار سنگین مشکلات و فشارهای مهم درونی و بیرونی به سلامت بیرون آید، باید به صبر به عنوان مهم‌ترین ابزار توجه کند.

در قرآن یکسای از مقامات بزرگ انسانی، مقام صابرين است و پیامبران به این مقام ستوده شده و به عنوان الگوهای انسانی در این حوزه اخلاقی و رفتاری معرفی شده‌اند. بی گمان پیامبر گرامی(ص) در صبر همانند دیگر فضایل اخلاقی در اوج قرار دارد و این کمک می‌کند تا ما بتوانیم از این اسوه کامل انسانی بهره‌مند شویم.

نویسنده در این مطلب با استناد به آیه‌هایی که درباره صبر، بر پیامبر(ص) نازل شده به بررسی چِستی صبر و آثار و راه‌های ایجاد و تقویت ملکه صبر در خود پرداخته است. ***

صبر، نمادی از مقام احسان

یکی از مقامات بلند انسانی مقام احسان است. احسان در آموزه‌های قرآنی از دامنه وسیع معنایی و مصداقی برخوردار می‌باشد. احسان که ارتباط تنگاتنگی با عواطف و احساسات انسانی دارد، رفتار نیک و پسندیده به ویژه در ارتباط با دیگران را تعیین و تفسیر می‌کند. عارفان درباره مقام احسان بسیار سخن گفته‌اند.

احسان از حوزه اخلاق فردی تا اجتماعی و از حوزه نماز تا انفاق را شامل می‌شود. واژه «احسان» که از ریشه «حسن» به معنای زیبایی و نیکي می‌باشد، در قرآن در سه معنا به کار رفته است: ۱-«تفضل و نیکو کن به دیگران» ۲-انجام و سر و سامان دادن به امور و کارها

به وجه نیکو و کامل، ۳-انجام اعمال و رفتار صالح. احسان در این کاربرد تقریباً مترادف با تقوا و پرهیزکاری است. از بررسی موارد کاربرد واژه «محسن» و مشتقاتش در قرآن، استفاده می‌شود که این واژه دارای دو معنی و کاربرد است: ۱- نیکي و خير رساننده به ديگران، ۲- انجام‌دهنده اعمال و رفتارهای صالح و نیک. مقام محسان در این‌س کاربرد از برخی مقامات متفیان برتر است، و به طور کلی این واژه در این معنی کاربرد، بیشتر به کسانی اطلاق شده که از ایمنی راسخ و ثبات قدم در راه ایمان و انجام تکالیف الهی برخوردار بوده‌اند.

از نظر قرآن صبر نمادی از مقام احسان است. از این رو خداوند در آیه ۱۱۵ سوره هود، صبر پیامبر(ص) را جلوه‌ای از نیکوکاری و محبت احسان وی برشمرده و می‌فرماید که صبر ریشه در مقام محسنين دارد و خداوند هرگز پاداش و اجر محسنان را تباه نمی‌سازد(وَأُصِیْرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُغْنِیْكَ عَنْهُ الْبَغْضَاءُ الَّتِیْ أَنْتَ بَاطِلٌ عَلَیْهَا وَإِنَّكَ بِرَأْسِهَا قَايِلٌ)؛ خداوند در آیاتی از جمله ۴۵ سوره بقره، صبر را یکی از ابزارهای کلیدی در زندگی بر می‌شمارد که آثار بسیاری از جمله آرامش و آسایش را برای شخص به ارمغان می‌آورد. اصل خشوع در برابر خداوند و ربوبیت و پروردگاری‌اش، اهل صبر و شکیبایی هستند

صبر به معنای گریه نکردن نیست.مانورهایی تاریخی فراوانی را داریم. پیامبر خدا(ص)، انبیاء و اولیاء در مصیبت‌هایی که به آنها می‌رسید گریه می‌کردند. زمانی که حمزه سیدالشهدا(ع) در احد به شهادت رسیدند در شهر مدینه غریب بودند. انصاری که در این جنگ به شهادت رسید، بودند، چون در شهر مدینه ساکن بودند، افرادی را داشتند که برای آنها گریه کنند. پیامبر درخصوص حضرت حمزه فرمودند که عموي من حمزه کسی را ندارد که برای او گریه کند. از آن به بعد رسم شد که هرکس می‌خواست برای شهید خودگریه کند، به سفارش پیامبر ابتدا برای حضرت حمزه عزاداری می‌کرد. (تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۰ -السیره النبویه لابن شام، ج ۲، ص ۶۱۲ -التفاتی، ج ۱، ص ۲۴۴ -البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۵۴ و ۵۵) امیرالمومنین(ع) برادری داشتند به اسم جعفر ابن ابی طالب که در مونه به شهادت رسید. ایشان فرزندى طلب به اسم عبدالله که ابن قصه را نقل می‌کردند:

پیامبر مادر خود را در کودکی از دست داده بودند و آن‌قدر در کنار قبر مادر خود متأثر می‌شدند که کسانی که در کنار حضرت به‌گریه می‌افتادند.

می‌کنند می‌گويد روزی که پدر من به شهادت رسید ما چه‌های خردسالی بودیم. پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) به خانه ما آمدند و ما را از غوی گرفته و گریه کردند.اشک چشم پیامبر(ص) روی صورت ما می‌ریخت(شاهد ثانی، زین‌الدین بن علی، مُسکُن الفؤاد عند عقد الأُحیة و الأَولاد، ص ۱۰۶)

بنابراین پیامبر در شهادت حمزه و عبدالله ابن جعفر گریه کردند(الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۱۲ - أسد الغابۀ، ج ۱، ص ۲۴۱ -الاصابه، ج ۲، ص ۲۳۸ -الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۴۲۰)

و هرگز از مومن‌ها و بلایا و مشکلات آنها را نمی‌شکند و از جاده صواب و درستی و راستی بیرون نمی‌برد. از آیه ۱۵۲ سوره بقره و نیز ۱۲۸ سوره اعراف به دست می‌آید که صبر ابزاری کار آمد در زندگی بشر است که در کنار نماز و استعاذت از خداوند می‌تواند مشکلات بشری را حل کرده و سرنوشت فردی و جمعی انسان‌ها را به گونه‌ای رقم زند که همه زمین در اختیار ایشان قرار گرفته و آنان وارثان و حاکمان زمین شوند.

صبر جمیل، مرتبه والای صبر

از مراتب صبر می‌توان به صبر جمیل اشاره کرد که مشکلات سنگین و گرفتاری‌ها و بلایا را بر رشتن شخص آسان می‌کند و اجازه نمی‌دهد تا رفتار نامتعال از خود بروز دهد. البته واکنش‌هایی چون گریه و درد درونی به معنای بی‌تابی و بی‌صبری نیست؛ چرا که عواطف انسانی در برابر عامل درد و هیجانات به طور طبیعی واکنش نشان می‌دهد و این واکنش طبیعی برای انسان مفید و سازنده است. بنابراین مراد از بی‌تابی آن است که شخص تحمل خویش را از دست داده و واکنش‌های تند و هیجانی بیرون از تعادل از خود بروز دهد و نتواند غلبان احساس و عواطف خویش را مدیریت کند و زبان به گلایه و سخنان نسنجیده بگشاید. اما اگر بتواند ضمن واکنش طبیعی به هیجانات، بر مدیریت کند، این صبر، صبری زیباست.

شدن فرزند عزیزش یوسف(ع) به دست گرگان،(یوسف، آیه ۱۸) و اتهام زردی و زداداشت دیگر فرزندان در مصر(یوسف، آیه ۸۲) را شنید، از صبر جمیل سخن گفت، و آن بیت(ع) بارها در مصیبت‌ها از جمله شهادت امام حسین(ع) و یارانش، آن را بروز دادند. خداوند پیامبر گرامی(ص) را موظف به صبر جمیل و به دور از هر گونه بی‌تابی و گلایه در برابر خیره سرسی‌های دشمنان(معارج، ج ۱، ص ۵ و ۱۰، نیز مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص

می‌کند و در آیه ۳۲ و آیات بسیاری دیگر، ایشان را مامور می‌کند تا صبر را پیشه خود سازد و در برابر سختی‌ها و ناملایمات زندگی و ماموریت و مسئولیت الهی، بی‌تابی و گلایه نکند. پیامبر(ص) برای دستیابی به مقام اولوالعزم مامور می‌شود تا همانند دیگر پیامبران دارای این مقام، صبر پیشه کند تا این‌گونه بتواند به مسئولیت‌های خود عمل کرده و اهداف خویش را تحقق ببخشد(احقاف، آیه ۳۵) چرا که از آثار صبر در کنار تقوای الهی، رسیدن به عاقبت نیک است. اصولاً هر کسی که بخواهد به هدف خویش برسد باید صبر پیشه کند؛ چه اخروی و معنوی. از این رو در انجام ماموریت تبلیغ و اجرای دستورهای الهی، باید صبر و پیشه کرد تا به هدف رسید. (مدثر، آیات ۱ و ۷)

آثار صبر

برای اینکه نقش و تأثیر صبر را در زندگی بدانیم، پیش از بیان عوامل آن به آثار آن می‌شود با توجه به آثار صبری است که قرآن برای صبر پیامبر(ص) این اسوه انسان و اشرف آفرینش بیان کرده است. ۱- **امداد**، امداد قطعی خداوند از آثار صبر را امدادهای قطعی خداوند بر می‌شمارد و بیان

﴿ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ﴾
پس صبرِ جمیل پیشه کن

معارج ۵



می‌کند که اگر صبر پیشه گرفته شود، خداوند عنایت خاص خواهد داشت و از راه‌هایی که انسان گمان نمی‌کند به او کمک می‌کند تا به هدف و مقصود خویش برسد. این وعده حق الهی است که انسان در صورت شکیبایی می‌توانسد مورد کمک و امدادهای خاص قرار گیرد.(انعام، آیه ۳۴، نحل، آیات ۱۲۷ و ۱۲۸ و نیز روم، آیه ۶۰)

۲. **جلب محبت**: از آثار صبر بر بدرفتاری‌های دیگران دفع آن به بهترین شیوه، می‌توان به جلب دوستی دیگران و زمینه برطرف شدن دشمنی‌ها اشاره کرد که خداوند در آیات ۲۴ و ۳۵ سوره فصلت به آن اشاره دارد.

۳. **مقام رضا**: اگر کسی بخواهد به مقام رضا برسد و از آثار خشنودی و رضایت الهی در دنیا و آخرت بهره‌مند شود باید در برابر ادبت و آزار دشمنان صبر پیشه کند و اجازه ندهد که اذیت و آزار، او را بی‌تاب کند و از انجام مسئولیت و ماموریت باز دارد و مانع حرکت طبیعی به سوی هدف شود. اگر انسان به مقام رضا برسد از بهشت رضوان بهره‌مند خواهد شد و دل وی در دنیا نیز به آرامش و خشنودی می‌رسد؛ چرا که خشنودی الهی به‌طور طبیعی خشنودی دل را به همراه خواهد داشت. به هر حال اگر کسی بخواهد به مقام رضای الهی دست یابد باید صبر را بر اساس آیه ۱۳۰ سوره طه به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای دستیابی در پیش گیرد و به آن پایبند باشد.

۴. **عاقبت به‌خیری**: از دیگر آثار صبرپیشگی می‌توان به بهره‌مندی از عاقبت‌به‌خیری اشاره کرد که در آیاتی از جمله ۴۹ سوره هود و ۱۳۲ سوره بیان شده است. **نیکبختی در برابر بدی**: انسان‌ها در برابر رفتارهای دیگران به‌طور طبیعی واکنش متقابلی نشان می‌دهند و اگر نیکی از کسی ببینند می‌کشند نیکی کنند و کمتر کسی است که در برابر نیکی، رفتاری ممتنع و بد بروز دهد. همچنین کمتر کسی است که در برابر بدی دیگران اقدام به نیکی کند و خود را چنان سبزه که بدی را با نیکی پاسخ دهد. اما کسانی که صبر پیشه کرده‌اند، هرگز بر اساس رفتارهای دیگران واکنش و پاسخ نمی‌دهند بلکه بر اساس اخلاق و آموزه‌های انسانی و

اتار صبر به خوبی می‌تواند منزلت و ارزش و اهمیت آن را در زندگی نشان دهد و عاملی در تشویق انسان برای کسب آن باشد. اگر کسی بخواهد به همین آثار صبر دست یابد باید عوامل ایجادی و تقویتی صبر توجه کند که در ادامه به برخی از این عوامل اشاره می‌شود. **عوامل ایجاد و تقویت صبر** بی گمان حوزه معرفت و شناخت، تأثیر شگرف و مستقیم در نگرش‌ها و رفتارها و اعتقادات و باورهای آدمی دارد. لذا بخشی از آموزه‌ها و گزاره‌های قرآنی به حوزه شناخت و معرفت اختصاص یافته است تا انگیزه‌ای در درون انسان برای گرایش به موضوع ایجاد شود؛ زیرا نادانی و جهل نسبت به موضوع هرگز انگیزه‌ای برای انسان برای عمل و رفتار ایجاد نمی‌کند؛ آنچه موجب می‌شود تا انسان به چیزی

حوزه معرفت و شناخت، تأثیر شگرف و مستقیم در نگرش‌ها و رفتارها و اعتقادات و باورهای آدمی دارد. لذا بخشی از آموزه‌ها و گزاره‌های قرآنی به حوزه شناخت و معرفت اختصاص یافته است تا انگیزه‌ای در درون انسان برای گرایش به موضوع ایجاد شود؛ زیرا نادانی و جهل نسبت به موضوع هرگز انگیزه‌ای برای انسان برای عمل و رفتار ایجاد نمی‌کند؛ آنچه موجب می‌شود تا انسان به چیزی علاقه‌مند شده و با بدان گرایش یابد، همان شناخت او به موضوع و آثار و برکات آن است.

علاقه‌مند شده و یا بدان گرایش یابد، همان شناخت او به موضوع و آثار و برکات آن است. از این رو شناخت می‌تواند به عنوان مهم‌ترین عامل حرکتی و انگیزشی در آدمی عمل کند و او را به سوی موضوع ترغیب و تشویق نماید. **توجه به حاکمیت و ربوبیت خدا** خداوند مهم‌ترین عامل در ایجاد صبر و بردباری در آدمی را توجه به حاکمیت مطلق و برتر خود معرفی می‌کند و می‌گوید که اگر انسان به این مسئله توجه یابد عامل مهم در ایجاد صبر خواهد بود و اجازه می‌دهد تا انسان

آگاهی از فرجام شوم بدکاران البته آگاهی انسان نسبت به فرجام شوم بدکاران و باطل‌گرایان می‌تواند انسان را به سوی حق و حقیقت و صبر در برابر آن سوق دهد. خداوند در آیاتی از جمله آیات ۵۵ تا ۶۰ سوره روم گزارشی از احوالات بد دشمنان و باطل‌گرایان در قیامت می‌دهد تا موجب‌ات تقویت روحیه و افزایش صبر در آدمی نشود. در آیات ۴۸ و ۴۹ سوره قلم نیز خداوند توجه‌هایی پیامبر به عواقب بی‌صبری در برابر حق‌نابینان را مطرح می‌کند و آن را زمینه‌ساز صبر و شکیبایی آن حضرت بر می‌شمارد و در آیات ۱۲۸ تا ۱۳۰ سوره طه، توجه به هلاکت و نابودی دشمنان در گذشته تاریخ را زمینه‌ساز صبر انسان در برابر فشارهای بیرونی بر می‌شمارد.

توجه به صبرپیشگی پیامبران

آگاهی انسان نسبت به قصه دیگران و رفتارهای آنان و همچنین موفقیت‌ها و پیروزی‌هایی که در سایه صبر پیشگی به دست آورده‌اند، یکی از عوامل ایجاد و تقویت صبر برشمرده شده است. خداوند در آیات قرآن به قصه‌های پیامبران (انعام، آیه ۳۴) و جمله به سر گذشت حضرت داوود(ص، آیات ۱۷ و ۱۲۰) و حضرت نوح(هود، آیات ۴۸ و ۴۹) و دیگران اشاره می‌کند تا این‌گونه روحیه مقاومت و صبر را در پیامبر(ص) تقویت کند. براین اساس می‌توان گفت که خواندن سر گذشت دیگران می‌تواند به عنوان زمینه‌ساز صبر در آدمی باشد.

آگاهی از فرجام خوب صابران آگاهی از وعده‌های الهی و فرجام خوب اهل صبر و تقوا و فرجام بد اهل فجور و بی‌صبری می‌تواند زمینه‌ساز یا عامل ایجادی و یا تقویت صبر مطرح باشد.(احقاف، آیات ۳۴ و ۳۵ و نیز انعام، آیه ۲۴)

اگر انسان به استفاده از چنین عواملی توجه صبر را در خود ایجاد و یا تقویت کند، می‌تواند بسادگی در برابر بدی‌های دیگران(فصلت، آیات ۳۲ و ۳۵)، بی‌منطقی‌های دیگران(معارج، آیات ۱ و ۵)، ادبت و آزار دشمنان(انعام، آیه ۱۲۴)، سخنان و نساوا و زخم‌ب زبانه‌ها(طه، آیه ۱۰ و ۱۱، آیه ۳۹)، احکام و تکالیف الهی(معارج،آیات ۱ تا ۵) سختی‌های عبادت و بندگی (مریم، آیه ۶۵) و دیگر ناملایمات و سختی‌های زندگی صبر کند و بی‌تابی نکند و بتواند به اهداف بلندی چون خودسازی و دیگران‌سازی از طریق رسالت (یونس، آیات ۱۰۸ و ۱۰۹) و تبلیغ معارف و حقایق قرآنی (انسان، آیات ۲۳ و ۲۴) و عمارت عدل و نماز و مانند آن(طه، آیه ۱۱۲) برسد و از سخت استدراج و امهال عبور کند و مشکلات زندگی را مدیریت نماید.

و ایمان در این باره اشاره می‌کند و آن را زمینه‌ساز صبر در انسان برمی‌شمارد. در این آیه ایمان به توحید و شناخت خدای بی‌مانند و بی‌شریک زمینه‌ساز شکیبایی و بردباری قلمداد شده و بدین گونه انسان بسادگی به آنچه که خداوند برای او مقدر کرده می‌دهد و در برابر فشارها و سختی‌ها بی‌تابی نمی‌کند بلکه می‌کوشد تا واکنش درست و منطقی و براساس آموزه‌های الهی و عقلانی بدهد.

آگاهی از سنت استدراج توجه به قدرت خداوند(ق، آیات ۲۸ و ۳۹) و قضای الهی در همه کلیات و جزئیات یا ریز و درشت موضوعات و مسائل و رخداده‌ا،طه، آیات ۱۲۸ تا ۱۳۰ و نیز روم، آیات ۵۸ تا ۶۰) و همچنین آگاهی به سنت استدراج و امهال عبور کند و مشکلات زندگی را مدیریت نماید.

گاهی اصحاب به پیامبر(ص) می‌گفتند که شما ما را به صبر دعوت می‌کنید پس چرا خود شما گریه می‌کنید؟ حضرت می‌فرمودند: بعد از مصیبت، انسان دو حالت دارد: اگر آثار این مصیبت در قلب و چشم ظاهر شد نشانه رحمت انسان است. انسان، مخصوصاً مادر، مظهر مهر و محبت و عاطفه است. قلب او می‌سوزد و اشک او جاری می‌شود. اما اگر اثر مصیبت باعث شد که انسان مصیبت زده، سخنی را به زبان جاری کند که ناشکری نسبت به خداوند باشد و عدل الهی را زیر سؤال ببرد، رد پای شیطان است. اگر فرد مصیبت زده با دست خود نیز کارهایی انجام دهد، مثلاً به سر و صورت خود زده و کارهایی از این قبیل هم انجام دهد، رد پای شیطان است.

است، فرمودند چرا این فرد گریه می‌کند؟ این‌گریه باعث عذاب فردی می‌شود که از دنیا رفته است. از این حدیث استفاده کرده و می‌گویند که گفته پیامبر(ص) گریه بستگان باعث عذاب میت می‌شود. این حدیث را در تمام منابع شیعه و سنی نقل کرده‌اند. اما اجاب است که وقتی از یکی از همسران پیامبر پرسیدند که آیا پیامبر این سخن را درخصوص گریه گفته است؟ ایشان گفتند که پیامبر این‌طور نگفته است. آن افرادی که نقل کرده‌اند اشتباه نیده‌اند. این داستان مورد خاصی بوده. یک نفر از دنیا رفته بود که شایسته عذاب بود. پیامبر خدا فرمود در حالی که بستگان این میت گریه می‌کنند، او در عذاب الهی است. نه اینکه این افراد به دلیل اینکه گریه می‌کنند آن میت عذاب می‌کنند.(مسند احمد، ج ۱، ص ۴۱؛ جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۹۹) لذا مطمئناً این‌گونه نیست و خلاف عدالت الهی است که گریه کنیم و میت عذاب بکشد. پس قطعاً گریه منافاتی با صبر نداشته و باعث آرامش انسان می‌شود.

«حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسین نجفی قمی به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی حجت‌الاسلام سیدعلی غروی

چراغ راه

پایداری، مبنای دینداری در روابط

قال الامام علی(ع): «مودة ذوی الدین، بطنیة الاقطاع، داتمة الثبات و البقاء».

امام علی(ع) فرمود: مبنای دوستی دینداران، دیرگسل است، وثبات و دوام آن، همیشگی است.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۷، ح ۵۹

حکایت خوبان

رعایت حقوق، عامل تحکیم خانواده

زنی به نام «لبنه» نزد پیامبر(ص) آمد و گفت:ای پیامبر خدا، من به نمایندگی از زن زنا زد شما آدم‌هام هیچ زنی را قوی‌تر از خود سخن مرا نمی‌شنود، مگر اینکه از آن خوشحال خواهد شد. خدای یگانه هم پروردگار مردان است و هم زنان، (آدم) هم پدر مردان است و هم پدر زنان، هو ا‌هم مادر مردان است و هم مادر زنان. خداوند جهان را بر مردان مقرر داشته است. اگر شهید شدند، نزد پروردگارشان زنده‌اند و روزی می‌خورند، و اگر (در راه رفتن به جهاد) مردند، باز نزد خداوند پاداش دارند، و اگر (زنده) برگشتند خداوند بر آنان پاداش داده است. (اما ما زنان، از بیماران پرستاری می‌کنیم و مجروحان را مداوا می‌نماییم. پس ما چه پاداشی داریم؟ پیامبر(ص) در پاسخ فرمود:ای نماینده زنان! به هر یک از زنان که ملاقاتش کردی، ابلاغ کن که اطاعت از شوهر و پذیرفتن حق و حقوق او، با همه اینها (که گفتی) برابر می‌کند.^(۱) «جهاد المرء حسن التبعل» جهاد زن خوش شهرداری کردن است. ^(۲)

۱- کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۶۰۹، ح ۴۰۴۲

۲- غررالحکم، ج ۲۶۴

پرسش و پاسخ

عوامل ثبات و امنیت خانواده‌ها

پرسش:
چه علل و عواملی موجب ثبات و امنیت و آرامش خانواده‌ها را فراهم می‌آورد و کانون خانواده را همواره گرم نگه می‌دارد؟

پاسخ:

هسته اولیه هر جامعه‌ای، اجتماع خانواده است که ثبات، امنیت و آرامش آن به بقا و دوام آن جامعه می‌انجامد. عوامل و اسبابی که موجب مصون ماندن خانواده‌ها از خطر، تزلزل و فروپاشی فراهم می‌آورد، گوناگون، متنوع و گسترده هستند، که بخشی از آنها درون خانوادگی و مربوط به خود زوجین است، و بعضی دیگر به محیط اجتماع و برخی دیگر به دولت‌ها و حکومت‌ها برمی‌گردد. در این‌جا ما به نحو اجمال به بحث مربوط به عوامل داخلی خانواده‌ها می‌پردازیم.

۱- **عوامل و تقوا**

بنای زندگی زوجین باید بر پاکی، صداقت و تقوا نبوده شود، که شامل گفتار و رفتار آنها در همه ابعاد زندگی خانوادگی می‌باشد. پرهیز از عواملی همچون، دروغ، مکر و فریب، ربا و هر گونه فساد و فسق و فجوری، ثبات، امنیت و آرامش خانواده را به همراه می‌آورد.

۲- **حفظ عفاف و پاکدامنی**

زوجین باید حریم عفاف و پاکدامنی خود را پس از ازدواج همچنان حفظ کنند، و اعضای خود را از آلودگی و فساد به سلامت نگه دارند. در روایات نگاه به نامحرم تنه از برهمنای سلطان و قزوینای فرامی می‌آورد، گوناگون، متنوع و گسترده هستند، که روایت شده که برای هر عضوی از اعضای بدن زنایی است و از زنا چشم همان نظر به چشم و مربوط به عوامل داخلی خانواده‌ها می‌پردازیم.

۳- **رعایت حقوق طرفین**

رعایت حقوق متقابل زوجین، باعث صفا، صمیمیت و گرم شدن کانون خانواده می‌گردد و هر یک از اعضای خانواده خود را صاحب خانه و عضوی موثر از آن می‌دند، که برای حفظ ثبات و بقای آن می‌کوشد.

۴- **مشارکت در غم و شادی یکدیگر**

تعاون، همکاری، همدردی و همراهی زوجین اقتضا می‌کند که آنها خود را در علائق آرزوها، نهمها و شادایی‌های یکدیگر شریک دانسته و با اعلام آن زمینه را برای انس و الفت بیشتر و تعمیق روابط خانوادگی فراهم سازند.

۵- **پاسخ مثبت به خواسته‌های مشروع فرامه سازند.**

زوجین در سایه ازدواج نسبت به هم خواسته‌ها و تمنیای همچون: نظافت، آرایش ظاهری و بالاخره، رضای لذات مشروع دارند که در صورت برآورده شدن آنها لبلاستکی و پیوند عاطفی این‌عقیر تر ثبات و امنیت و آرامش خانواده محقق می‌گردد.

۶- **وجود فرزند**

یکی از عوامل موثر و کارآمد برای امنیت و ثبات خانواده‌ها وجود فرزند است. چه بسا خانواده‌هایی که به خاطر نداشتن فرزند، کانون گرمشان به سردی گراییده و کارشان به طلاق و جدایی کشیده شده است. وجود فرزند نشانه نمردهی زندگی و نشاطی است و هر زن و شوهری را آغاز زندگی، چنین آرزویی را در دل داشته و پیدایش فرزند را عامل تکمیل ازدواج و کمال خانواده می‌دانند. لذا در تحکیم ثبات و امنیت خانواده و تدوام بقا و دوام آن فرزند نقش اساسی دارد و جلوه‌ای از اتحاد و وحدت پدر و مادر است.

۷- **محدود کردن توقعات و انتظارات**

به طور طبیعی پس از ازدواج و تشکیل هسته اولیه جامعه یعنی اجتماع خانواده، زوجین از یکدیگر توقعات و انتظاری دارند که هر کدام باید به آن جله عمل بپوشند و رضایت همه را حاصل کنند. اما نکته کلیدی در تحقق فرایند رضایتمندی زوجین این است که آنها از ابتدا باید بنا را بر این بگذارند که توقعات و انتظارات را از یکدیگر کم کنند و خود را از همسر طبلکار نماندند و فرض را بر این بگیرند که خود باید به کارهای خود برسند. اما اگر توقع آن‌گونه باشد که زوجین هر کدام دیگری را برده یا کنیز خود بدانند، به طور طبیعی، هر چقدر کم که به یکدیگر رسیدگی کنند، باز هم احساس کم‌حتمتی کرده و زمینه برای گلایه و اعتراض و برخوردهای ناسالم باقی خواهد ماند!

۸- **تحمل یکدیگر**

به طور طبیعی زوجین هر کدام دارای نقص و کمبودهای اخلاقی و رفتاری هستند که در زندگی مشترک بروز و ظهور پیدا کرده و بعضاً ممکن است منجر به اصطکاک و اختلاف و تنش شود. اگر بنا بر این باشد که زوجین یکدیگر را تحمل نکنند و صبورانه با یکدیگر تعامل نداشته باشند، چنین زندگی نمی‌تواند ادامه پیدا کند. زیرا هر کدام می‌خواهد حرف خود را به کرسی بنشاند و حقانیت خود را اثبات کند. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: کسی که بر بدخلقی زنی صبر کند، خداوند ثواب شاکرین را به او عطا خواهد کرد.(وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶)

سلوک عارفانه

رفاقت و نرمی، نصف زندگی

حضرت موسی ابن جعفر(ع) فرمود: «لرفق نصف العیش» نصف زندگی را رفاقت و نرمی تشکیل می‌دهد.^(۱) نصف زندگی یعنی چه؟ «صف‌العیش» به معنای تسریع است، یعنی حرکاتی که در رابطه با معیشت دنیایی‌ات انجام می‌دهی ممکن است با رفاقت یا بی‌رفاقت انجام بدهی، اگر با رفاقت باشد حرکت نصف می‌شود و کارت هم زودتر جلو می‌افتد و اگر بی‌رفاقت باشد، باید دو برابر حرکت انجام بدهی، تازه بدون آن کیفیت، چون عیش یعنی زندگی و زندگی بر مبنای حرکت است. ^(۲)

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۲۰

۲- اخلاق ربانی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)، ج ۵، ص ۱۲۰

صفحه معارف روز های: شنبه، یک‌شنبه

سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱

Maarefkayhan@Kayhan.ir